

# افشای دزدان ، چپاولگران و زورمندان



استاد صباح

## #### شعرو روز ####

شب صحبت غنیمت دان که بعد از روزگار ما  
بسی کردش کند کردون بسی لیس و نهار آرد

جباران تاریخ بی برادرم کردند  
اسیر فاجعه های مکررم کردند  
دست و پایم را ببستند و آنگاه  
برای سنگ زدن کیوترم کردند  
چهارسوی جهان رابه ما بستند  
بعد چون شکوفه پرپریم کردند  
مزدورانه تسلیم گرگ ها دادند  
به چوروچپاول برهنه ترم کردند  
باتیرو تبرز خمیزدند و خندیدند  
خون آلوده ترهمه پیکرم کردند.

## |||| سخن روز ||||



بی عدالتی، بی قانونی، بی نظمی ، زورخواهی تنظیمی ، جنگ، کشتار، ویرانی، نا امنی، آوارگی، فقر، مرض، فساد  
اداری، بنیادگرای افراطی، تبعیضات قومی و مذهبی و زبانی ، مواد مخدر ، زورگویی ، جنگ سالاری ، بی کفایتی ،  
مصلحت گرایی ، تاراجهای کلان پولی ، چنگل بخشی قدرت و اداره دولتی ، محروم نگهداشتن ملیتهای مختلف ، چپاول  
و غصب املاک دولتی و شخصی ، تشنج ، (وزورگویی) ، قانون شکنی و ماشه کشی درخیمه لویه جرگه پس از تشنج  
در انتخابات ) و دهها مشکل دیگر ، سالهاست که دامن جامعه را فراگرفته و زندگی آرام و خوش را از مردم کشور سلب  
نموده و همه نتیجه حاکمیت تنگین کرزی است.

**دزدان میلیونر کیه است؟؟؟**



## اختلاسگران، زورگویان و چپاولگران بزرگ

سیستم مافیایی همین است، مجرمان بی‌واسطه و بی‌کس به‌خاطر دزدی کوچکی دستگیر و تحقیر شده در سطح رسانه‌ها رسوا می‌شوند، اما دزدی‌های کلان آزاد و قانونی است. دزدان کلان هم با افتخار خود را قهرمان و «الگوی شفافیت» نام می‌گذارند. در چند سال گذشته فساد میلیاردی دالری در حکومت افغانستان به ویژه وزارت‌های سکتور امنیتی منتشر شده و پرده از موارد درشت اختلاس برداشته شد، اما هیچ مورد از این خیانت‌ها و چپاول‌ها بررسی و عاملان آن مجازات نشده‌اند. از دو سال به اینسو دفتر بازرسی ویژه امریکا برای بازسازی افغانستان (SIGAR) هر هفته و یا هر ماه گزارش‌هایی از فساد و اختلاس و چور و چپاول در وزارت‌های داخله و دفاع افغانستان نشر می‌کند. «سیگار» در گزارشی نوشته که امریکا از سال ۲۰۰۲ نزدیک به ۶۲ میلیارد دالر به نیروهای امنیتی افغانستان کمک کرده‌است. چند مورد گزارش‌های «سیگار»: حالا کی باید سر تراشیده شود؟ سربازان بی‌چاره و فقیر که ماه‌ها معاش بخور نمیر خود را دریافت نمی‌کنند یا وزرای فاسدی که میلیاردها دالر از سرمایه ملی را به جیب زده‌اند؟

یک: ۱۶ طیاره حمل و نقل کمک‌شده به اردوی افغانستان به ارزش ۴۸۶ میلیون دالر تکه تکه شده و قطعات آن به مبلغ ۳۲ هزار دالر به فروش رسیده‌اند.  
دو: صدها هزار سلاح کمک شده به اردو و پولیس افغانستان ناپدید است. امریکا از سال ۲۰۱۴ تا کنون، ۷۴۷ هزار و ۸۲۳ اسلحه به‌شمول مهمات آن به وزارت‌های دفاع و داخله افغانستان کمک کرده که بخش بزرگ آن ناپدید است. ارزش جنگ‌افزارهایی که ناپدید شده به ۶۲۶ میلیون دالر می‌رسد.  
سه: اختلاس ۵۲ میلیون دالری از وسایل و تجهیزات شفاخانه چهارصد بستر.  
چهار: دستبرد ۳۲ میلیون دالر در ساخت یک مرکز نظامی در هلمند.  
و این فهرست را می‌توان با واردکردن رقم‌های درشت از میان گزارش‌های سیگار طولانی‌تر کرد.

## چپاولگران مشهور و معروف



اما مضحک‌تر از همه قضیه «پشکل دزدی» بسم‌الله محمدی در وزارت داخله است که بوی گندیدگی حکومت دست نشانده امریکا در افغانستان را بیشتر بالا کرد. گزارش‌های لیک شده از ارگ و وزارت داخله می‌رساند که بسم‌الله محمدی از بودجه وزارت داخله ۸۰ میلیون افغانی را زیر نام خرید کود حیوانی (پشکل گوسفند) برای چمن صحن وزارت داخله به جیب زده‌است، اما هیچ بازخواستی از او صورت نگرفت!

دزدی‌های بزرگ ده‌ها میلیون دالری در وزارت مالیه تحت رهبری عمر زاخیلوال، غارت‌های بزرگ در بنادر تحت کنترل عطا در بلخ، شیرزی و ظاهر قدیر در ننگرهار و اسماعیل در هرات، انتقال بکس‌های مملو از دالر توسط ارگ‌نشینان از ایران و برخی کشورهای دیگر، دزدی‌های بزرگ در وزارت معارف تحت مدیریت فاروق وردک، انتقال ۵۲ میلیون دالر پول نقد توسط ضیا مسعود به دوبی، چور و چپاول و غصب صدها هزار جریب زمین دولتی از سوی بسیاری از رهبران تنظیمی از جمله سیاف و خلیلی و گیلانی و محقق و فهیم و عطا و خانواده کرزی در شماری از ولایت‌ها به‌شمول کابل و به جیب زدن میلیاردها دالر زیر نام بازسازی افغانستان در پانزده سال گذشته را مردم افغانستان شاهد اند اما در یک مورد هم کدام وزیر، وکیل، والی یا شاروال سر تراشیده در برابر چشمان مردم رسوا و افشا نشد.

از سوی دیگر مرغ دزدی سربازان در شمال افغانستان نشان می‌دهد که هم امریکا و هم حکومت دست‌نشانده آن در افغانستان در پانزده سال گذشته تا چه حد به حق این کشور جنگ زده خیانت کرده و با دروغ‌های شاخ‌دار وضعیت نیروهای امنیتی این کشور را عوام‌فریبانه خوب و درخشان توصیف کرده‌اند.

حالا کی باید سر تراشیده شود؟ سربازان بی‌چاره و فقیر که ماه‌ها معاش بخور نمیر خود را دریافت نمی‌کنند یا وزرای فاسدی که میلیاردها دالر از سرمایه ملی را به جیب زده‌اند؟ اگر درین وطن اندک عدالت وجود می‌داشت، باید ابتدا سرهای بسم‌الله و رحیم وردک تراشیده شده در معرض دید عموم قرار می‌گرفتند که سال‌های سال در راس نیروهای امنیتی قرار داشته با خیانت‌شان یک اردو و پولیس «چرسی» و «مرغ دزد» ایجاد کردند.

## این مجاهد راه خدا را می‌شناسید؟؟؟



احمد مشاهد عضو تنظیم جمعیت و از وفادارترین اشخاص به شورای نظار است و در سال‌های گراماگرم پاکستان رفتن، طب را تمام ناکرده راهی پاکستان گردید و مثل دیگر سران جهادی پیشوند داکتر را هم به نامش علاوه کرد.

آگاهی یافتن از دارایی‌های واقعی وی شاید ممکن نباشد اما فقط بخشی از سرمایه، جایداد و ملکیت‌های وی که همه درباره‌اش می‌دانند را به معرفی می‌گیرم. با تحلیل مشاهد از این زاویه، برای مردم، برای چندمین بار به ثبوت میرسد که نظام فعلی که دم از دفاع از مردم و دفاع از دموکراسی می‌زند، اتکایش در ولایت تخار روی چه کسانی بوده و ماهیت‌شان چگونه است. اگر از حمام‌های نمره و باغ‌های کوچک که مشاهد در اینجا و آنجا و رسج و تالقان و ولایات دیگر دارد چشم‌پوشیم و به جایداد‌های بزرگ‌ترش نظر اندازیم، باید از هتل آریانا شروع کنیم. هتل آریانا در ولایت تخار از جمله هتل‌های مرفه‌تر و مرغوب شهر تالقان است و محافل گوناگون، خصوصاً محافل عروسی در آنجا برگزار می‌گردند. این هتل مشهور از شخص مشاهد می‌باشد.

تانک تیل آریانا که در جوار پل شهروان تالقان قرارداد و پرفروش‌ترین تانک تیل در تالقان است نیز مربوط اوست. داستان این تانک تیل و کلاهبرداری مشاهد از نزدیکترین دوستش شاید نمونه خوبی باشد که ماهیت وی را شناخت. در زمان ولایت سید اکرام‌الدین معصومی، به نیت ایجاد تانک تیل شریکی بین معصومی و مشاهد، زمین را از صاحب آن به زور تنگ خریدند. هنگامیکه سند بین فروشنده و خریداران به امضاء می‌رسید معصومی تاکید می‌دارد که نام هر دوی‌شان در جریان نوشتن قباله ذکر گردد، ولی مشاهد برایش استدلال می‌نماید که چون تو والی هستی اگر صدای این زورگیری بالا شود، موقت زیر سوال می‌آید و بدنام می‌شوی بنا ضرورت نیست نامت را در قباله ذکر نمایم و این کار باعث شکست عهد شراکت من و تو نمی‌شود. چندی می‌گذرد و معصومی هم از چوکی ولایت برکنار می‌شود. وقتی تانک تیل آریانا یکی از پرفروش‌ترین تانک در شهر تالقان می‌گردد، او نزد مشاهد آمده تا سهمی از عواید بدست آمده شراکت را بدست آورد. مشاهد با نهایت خشم و دیدهدرایی، منکر عقد و پیمان درین رابطه شده و باینصورت دوستی و همدستی‌شان پایان می‌یابد. زمین‌های آبی مشاهد در نهر چمن و سایر نقاط تخار بیشتر از ۷۰۰ جریب می‌باشند که در بهترین موقعیت‌های تالقان واقع‌اند. در شرایط فعلی هر جریب این زمین‌ها بیست لک افغانی خرید و فروش می‌شوند.

کرایه صرف دکانها و سرای‌های تالقان ماهانه یک میلیون و دویست هزار افغانی می‌شود. تعداد حویلی‌های در کابل بالاتر از ده باب بوده که همه در مناطق قیمتی موقعیت دارند. تعداد زیاد آنها را به کرایه داده است. یک حویلی‌اش در شیرپور، یک حویلی در منطقه بادام باغ و یکی عقب سینما آریوب در باغ بالا موقعیت دارند.

در تالقان هم چندین حویلی در بهترین موقعیت‌های شهر آرمشاهد‌اند، که از جمله حویلی‌ای که در سرک اول دارد و مدتی در زمان گریز گریز ربانی که باتحت هرسومیرفت و مدتی سفارت ایران بود که تنها ایران سفارت کاری در تخار داشت و فعلاً به یوناما کرایه داده شده است از جمله زمین‌های غصب شده دولتی است.

## جهاد بیرونی این مرد مجاهد



در خارج از افغانستان جایزاد های غیرمنقول وی که تا حال افشاء شده اند، یک حویلی در دویی، یک حویلی در تاجکستان ریاست ده که مسئولیت امنیت تمامی وزیران را به عهده دارد، امنیت مشاهد هم به عهده گرفته است. به همین مناسبت مشاهد ماهانه به تعداد سه صد نفر از ریاست ده اعاشه بدست می آورد. او که به امراض گوناگون گرفتار است، خوراکش نان جواری بیش نیست، دارایی هایش را قبل از مرگ میان اولاد هایش تقسیم و ترک کرده است. مشاهد علی الرغم آنکه آدم کینه دل، خود پسند و خود خواه است و به هر مسئله ی با در نظر داشت منافع خود برخورد می کند، در عین حال شخص متکبر و بد زبان است و سخت انتظار دارد که کسی پای خود را به پای او دراز نکند و همه بلی گوی او باشند. تنها آدم های برده صفت و زبون از موقوف او استفاده برده می توانند که آماده چاپلوسی و تحمل غضب، دشنام های رکیک و پیشانی ترشی های او باشند. از جمله ده ها فردیکه طبق تذکر بالا به نوکران او بدل شده اند فردی به نام حق نظر است که حالا شاید حق نظریای برایش بگویند.

او به واسطه مشاهد رئیس گمرک در یکی از گمرکات افغانستان تعیین شده و ازین طریق صاحب میلیون ها دالر شده است. او در چند محفل در حضور دیگران بدون اینکه عرق شرم بر پیشانی اش نمایان گردد، یاد آور گردیده است که امروز اگر کسی کمتر از یک میلیون دالر را سرمایه بگوید احمق است. او که چند سال قبل به نان شب بند بود و پول نداشت، امروز چندین حویلی صرف در شهر تالقان دارد.

ملک و دارایی هایی که مشاهد و هم مسلکانش چون مطلب بیگ، حاجی آغاگل، پیر محمد خاکسار، پیرم قل، قاضی کبیر مرزبان، بشیر چاه آبی و غیره به اصطلاح کلان های تخار با خدعه، نیرنگ، قتل، تهدید، توطئه، دزدی، خیانت، چپاول، وطن فروشی و متوسل شدن به پستی های رنگارنگ بدست آورده اند، بدون احساس شرم و خجالت آن را داد خدا نامیده، خویش را خدادادگان جاری زنند تا این را ثبوت نمایند که دیگران که به پول و دارایی های افسانوی چون آنها نمی رسند نه اینست که ایشان دست به دزدی، وطن فروشی، جاسوسی، قتل و توطئه نزده اند بلکه ایشان را خدا نداده است. اولاده اینان اگرچه به پستی پدران شان آگاه اند در دل آن را تصدیق می دارند و می دانند که پدران شان تا جاسوس و رزیده نمی بودند و گذشته بی شرافتی و وطن فروشی بر پیشانی شان از دور نمایان نمی بود، کجا ممکن بود به چوکی های مهم و بلند در سطح یک مملکت گماشته شوند. مشاهد و همقطارانش وقتی به منابر سخنرانی می کنند، همیشه دفاع از جهاد و مقاومت و ارزش های اسلامی را قافله می کنند، ولی در عمل به غیر از تحکیم پایه های اقتصادی و اجتماعی خود و فامیل خود به چیز دیگری نمی اندیشند.

## دست آوردهای حکومت غنی و عبدالله



مسئولان برنامه جهانی غذای سازمان ملل متحد (WFP) در افغانستان اعلام کردند که ۱۳ میلیون نفر در این کشور مصونیت غذایی ندارند. سه سال پیش این رقم حدود ۹ میلیون نفر بود. از مجموع ۱۳ میلیون، هشت میلیون آن با نداشتن امنیت حاد غذایی رو به رو هستند. که این هشت میلیون تن نمی دانند که غذای بعدی آنان چطور تأمین خواهد شد. بی ثباتی، جنگ، خشک سالی، تغییر اقلیم، وضعیت شکننده افغانستان و برگشت مهاجران از کشورهای دیگر عامل افزایش میزان نبود مصونیت غذایی در طول سه سال گذشته بوده است. اگر به این موضوع رسیدگی نشود، نبود امنیت غذایی می تواند باعث ایجاد مشکل ها و مهاجرت های جدید در افغانستان شود. برای مقابله با عدم مصونیت غذایی و کمک به نزدیک به سه میلیون تن در افغانستان، این برنامه نیاز به ۱۸۴ میلیون دالر دارد. امنیت غذایی یکی از



هدف‌های سند توسعه هزاره سوم سازمان ملل متحد است که حکومت افغانستان در سال ۲۰۰۴ این سند را امضا کرد و متعهد شد که تا سال ۲۰۲۰ به هدف‌های ۸ گانه آن دست یابد و مصنویت غذایی که از مهم‌ترین اهداف این سند است، آن را برای مردم تأمین کند. این در حالی است که پیش از این، مقام‌های حکومت افغانستان نیز از عدم مصنویت غذایی مردم در کشور ابراز نگرانی کرده بودند.

همچنان اداره هماهنگی کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل متحد گزارش داده است که از ابتدای سال جدید میلادی تاکنون ۵۴ هزار نفر به دلیل جنگ و خشونت از مناطق محل سکونت شان بیجا شده‌اند. تنها در هفته گذشته تقریباً ۱۲ هزار نفر از مناطق شان مجبور به فرار شده‌اند. از نظر ولایتی، بیشترین تعداد بیجاشدگان داخلی در این مدت در کندز بوده است؛ ولایتی که تا چند سال پیش محل استقرار نیروهای آلمانی بود. ملل متحد ۱۳۵۰۰ بیجا شده را در این ولایت ثبت کرده است. در ولایت کندز همواره درگیری‌های شدیدی رخ می‌دهد. در آخرین مورد روز دوشنبه در نتیجه یک حمله هوایی نیروهای اردوی ملی در ولسوالی دشت ارچی، بر اساس گزارش‌های مختلف، بین ۱۵ تا ۶۰ نفر کشته شده‌اند که احتمالاً این حمله تلفات غیرنظامی نیز به همراه داشته است. از سویی هم، سازمان ملل متحد هشدار می‌دهد که آوارگان داخلی «آسیب‌پذیرترین قشر» در افغانستان به شمار می‌روند. در سال گذشته، سازمان ملل متحد ۴۵۰ هزار بیجاشده داخلی را ثبت کرده بود و در سال ۲۰۱۶ بیش از ۶۶۰ هزار آواره داخلی ثبت شده بود. سازمان ملل متحد در آغاز سال روان میلادی در گزارشش در مورد کمک‌های بشردوستانه تخمین زده است که در حال حاضر حدود ۹۰۰ هزار نفر تحت «شرایط غیرانسانی» در کمپ‌ها زندگی می‌کنند.

## آیا راه بیرون رفت وجود دارد؟؟؟



اگر فضای ادارات دولتی از وجود عناصر فاسد، بنیادگرا، خاین و استفاده جو پاک گردد، اگر دولت از عملکردهای سازشکارانه با بنیادگرایان جاه طلب دست بکشد و اگر ظرفیت‌ها مطابق قابلیت افراد و اشخاص با فهم، صادق و متعهد به آرمان‌های ملی و نیز معیارهای شایسته سالاری در نظر گرفته شود، به یقین که مشکلات از سر راه برطرف خواهد شد. هنوز دیر نشده است که مسئولین امور به‌سوی قانون‌مداری و تطبیق اصول و قوانینی که تأمین‌کننده منافع عالیای ملت ماست گام‌های صادقانه، دلسوزانه و مسئولانه بردارند تا باشد تطبیق قوانین عدلی، قضایی و سایر لوایح و مقررات تحت شعاع و انضباط و مسئولیت‌پذیری در جامعه به گونه‌ای فرهنگ اداری محل تطبیق خویش را دریابد و دوایر دولتی از لوٹ عناصر بنیادگر، استفاده جو و بی‌سوادی که با نیش و نوش از پوست‌واستخوان مردم ما به اعتبار مردم افغانستان استفاده می‌نمایند و یا بنیاد اجتماعی نوپای مردم را که سده‌ها عذاب کشیده‌اند با فرایند و بازتاب فساد اداری هستی ملت ما را به یغما می‌برند روی معیارهای حسابگرانه به چنگال قوانین عدلی و قضایی مجبور به تصفیه حساب گردند. و دور نیست که مردم ما با مشت کوبنده قانون و علاقه‌مندی به حفظ دارایی‌های عامه و بیت‌المال اکثر کساتی را که با سوء استفاده از قدرت مرتکب چنان خیانتی گردیده‌اند مورد بازخواست و سرزنش قرار بدهند، زیرا در امتداد زمان، تاریخ آیین تمام نمای افعال و اعمال مردم است.

چهار میلیون جوان در ایران و پاکستان به ارزان‌ترین و مطیع‌ترین شکل نیروی خود را به خارجی‌ها به فروش می‌رساند. سالانه تنها در بخش دولتی افغانستان چهارصد میلیون دالر اختلاس و دزدی می‌شود. میزان ناامنی، اختطاف، خودسوزی، خودکشی، تجاوز به نوامیس به مراتب افزایش یافته به دلیل اینکه هیچ متجاوزی بر عناف زنان به اشد مجازات محکوم نشده است و هیچ اختطاف‌گری محکوم به اعدام نگردیده و در زمینه خودسوزی و خودکشی فرهنگ سازی در کشور انجام نگردیده است.

با این وجود اگر ما از روی آماروارقام به وضعیت افغانستان در سال‌های گذشته نگاه کنیم، آنچه لازم است از پیشرفت‌های دولت طی این سال‌ها به دست خواهیم آورد و میزان وجود فساد در ارگان‌های دولتی به دست خواهد آمد.

د افغانستان، کرسی‌های دولتی بر اساس زدویند ها و معامله گری های سیاسی به افراد داده می‌شوند و شایستگی و لیاقت و یا دید خدمت به مردم و وطن به حرف‌های پوچ و بی‌معنی می‌ماند.

پست‌های پایین‌تر در سطح ریاست و مشاور و سفیر و دیگر مقام‌های پول آور به قیمت‌های هنگفت خرید و فروش می‌شوند و کسانی که مقرر می‌شود، آن کرسی را بزنس شخصی پنداشته بدون دغدغه خاطر به جمعآوری پول از هر طریق نامشروع و حرام می‌پردازد و با این پول‌های پادآورده که به قیمت سیه‌روزی مردم فقیر ما به چنگ می‌آورند در دوی، دهلی، لندن و سایر جاها به سرمایه‌گذاری و عیاشی می‌پردازند. درحالی‌که حامد کرزی و غنی احمدزی از فاسدان درجه یک کشوراند، چطور می‌شود از مبارزه علیه فساد حرفی به میان آورد؟ حامد کرزی و غنی احمدزی و خانواده‌اش، طی ده سال از هوتلی‌های خارج نشین، به میلیونرها مبدل شدند و برادرانش در رأس مافیای اقتصادی و مواد مخدر کشور قرار دارند. این خانواده تنها در چپاول ده هزار جریب زمین و اعمار شهرک عینومینه قندهار، غصب فابریکه سمنت غوری، کابل بانک، املاک دویی و غیره سرمایه‌گذاری‌های فارونی به جیب زدند.

## ده ثروتمندترین افغان در سال ۲۰۱۷



از آنجایی که اقتصاد افغانستان از گذر درگیر بودن با تروریسم به شدت آسیب دیده است، اغلب ساکنان دنیای غرب، نوعی نگاه منفی نسبت به سرمایه‌گذاری و ثروت در این کشور دارند. شهروندان افغانستان از جمله افراد با استعداد، کوشا و فداکار روی زمین هستند که در هر حوزه، از فعالیتهای خوبی برخوردارند. در اینجا ده تن از ثروتمندترین افراد افغانستان، با داستان‌های کوتاه تجاری را به اشتراک می‌گذاریم.

### عبدالرحیم صافی

عبدالرحیم صافی که از قوم پشتون می‌باشد، رئیس شرکت «صافی گروپ» است و خانواده‌اش در میان ثروتمندترین خانواده‌های موجود در افغانستان قرار دارد. پدر، برادر و کاکای وی در زمینه‌های صنعت و هتل‌داری فعالیت دارند.

### عبدالرحمان الکوزی

عبدالرحمان الکوزی، یکی از اشخاص معروف و ثروتمند افغان می‌باشد که مالک بسیاری از شرکت‌های چند ملیتی به نام «الکوزی» است.

### عزیز هوتک

عزیز هوتک (مالک دوم سلسه غلزی هوتکی قندهار) در یک خانواده بسیار معروف و ثروتمند در قندهار چشم به جهان گشود. او پسر سلیم خان و نازو توخی، نواسه کروم خان و نواسه بزرگ اسماعیل خان است.

### زمری کامگار

زمری کامگار از قوم تاجیک و فارغ‌التحصیل از دانشگاه بلخ می‌باشد که تحصیلات خود را در بخش انجینیری تخنیک به پایان رسانده است. وی در حال حاضر مشاور دفتر امور بین‌الملل اتاق بازرگانی و صنایع افغانستان ACCI و مالک شرکت هوایی «کام ایر» است.

### نجیب زراب

دفتر شرکت‌های تجاری وی در کابل، دبی و پاکستان قرار دارد که موفق به ساختن یک شرکت برجسته و سازمان‌یافته در افغانستان شده است.

### حبیب گلزار

حبیب گلزار، شرکت تولیدکننده نوشیدنی منحصر به خود را در افغانستان دارد و اولین شرکتی است که شروع به تولید «کوکاکولا» در این کشور نموده است.

### حاجی مومن خان

شرکت حاجی مومن خان، طی سال‌های ۱۹۱۰ ایجاد گردید. هر چند که فقط به‌عنوان یک شرکت تجاری شروع به فعالیت نموده بود، ولی در زمینه‌های دیگر نیز مانند چای و منسوجات فعالیت دارد که همچنان می‌خواهد صنایع نفتی مومن را راه‌اندازی کند.

## احسان بیات

احسان بیات، صنعتگر می‌باشد که در نیویارک زندگی می‌کند. وی اصالتاً از هرات و قومیت‌اش بیات است.

## حامد منهاج

حامد منهاج، جوان‌ترین کار آفرین و تاجر در افغانستان است که در سن ۱۶ سالگی شروع به تجارت کرد و در حال حاضر با شرکت‌های چندملیتی در ارتباط است.

## شیوه های پولدار شدن در افغانستان



بیش از هفده سال از روی کار آمدن دولتمردان جدید می‌گذرد و کسانی که هفده سال پیش کارمند یا شهروند ساده ای بیشتر نبودند، اکنون تبدیل به یکی از تاجر و سرمایه داران مطرح کشور شده اند!

بسیاری از مقامات سطح پایین دولت، مالک مارکتهای کلان در بهترین نقاط شهرها هستند! بهترین منازل مسکونی شهرها متعلق به آنها می‌باشد! که برای توسعه و حفظ این اموال چندین محافظ نیز همیشه به همراه دارند!

اما کسی که کمی بیشتر سرش به تنش می‌ارزد و یا چند صباحی بیشتر در دولت و کارهای دولتی بوده است به سراغ ثروت اندوزی های کلان تر رفته اند. گزارش ها و مستندات موجود حاکی از آن است، شخصی که چند روز والی بوده یا مدت کوتاهی عهده دار سمت وزارت بوده است اکنون برای خود صاحب نفتکش یا شرکت هواپیمایی می‌باشد!

کسی که تا قبل از ورود به کارهای دولتی هیچ ثروت و شهرتی نداشت، در حال حاضر مالکیت شرکتهای بزرگ حمل و نقل در سطح کشورهای همسایه و منطقه را بر عهده دارد! برای خود شهرک سازی می‌کند و حتی به فکر ساختن شهر جدید خصوصی می‌باشد!!!

حال تصور کنید کسی که تنها یکی و دو سال در مقامی بوده، برای خود نفتکش و شهرک دارد، مابقی که سالها است بر اریکه قدرت تکیه زده اند، چه دارند؟! به راستی این همه ثروت و دارایی از کجا به دست آمده است؟ این ثروت های هنگفت مقامات از چه طریق حاصل شده است؟ اگر از خیر جواب این سوال بگذریم، نکته تاسف بار دیگر این است که بسیاری از کسانی که علناً زمین های مردم را غصب کردند و اموال مردم را به ناحق مصادره نموده اند، هم اکنون به عنوان نیروهای مقدس مطرح هستند و جزو سران قدرت و حکومت نیز محسوب می‌شوند!

پرواضح است کسانی که در فساد اداری آغشته اند به جای اینکه از وظایف شان برکنار شوند مورد تقدیر قرار می‌گیرند. بسیاری می‌پرسند پولهای سرازیر شده به افغانستان در کجا صرف شده است. مردم باید بدانند برخی این پولها را در دبی و یلا خریده اند، در امریکا خانه خریدند و در کابل قصر ها آباد کرده اند، ما این افراد را می‌شناسیم اما چه کسی است که از اینها سوال کند که این پولها را از کجا آورده اند؟ چه کسی می‌تواند اینها را به محاکمه بکشاند و مجازات کند؟ البته این مختص به اشخاص هم نیست بلکه همین موضوع درباره احزاب هم صدق می‌کند که این حقوق های دالری را از چه منابعی تامین می‌کنند؟ وقتی یک حزب برای رسیدن به مقاصد خاص، هزارها دالرها صرف می‌کند، کسی نیست پرسد که این مبالغ از کجا می‌آید؟

هرچند که برخی از مقامات سابق و حتی فعلی، صداقت دارند و می‌گویند هزینه های خود را از کجاها می‌گیرند. آنها می‌گویند از فلان کشور یا جریان سیاسی بابت حمایتهایی که می‌کنم، می‌گیرم و برای همین مردم هم خرج می‌کنم. که تفاوت این افراد با بقیه در این است که اینها خورده، منکر نیستند.

به هر حال در این سه دهه برخی از مقامات پول از ناکجاآباد گرفتند و در امور معنوی و خیریه صرف کردند و عده ای نیز تنها به زراندوزی شخصی پرداختند. ولی انصاف مطلب این است که همین مقامات مذکور که به قول معروف، پول شان از پارو هم بالا می‌رود در همین دنیا به مرض های صعب العلاج مبتلا شده اند.

شاید اگر شما هم کمی تامل کنید بشناسید مقاماتی را که هم اکنون به مرض قند، تنگی نفس، بیماری قلبی، سرطان و ... مبتلا هستند و هر از گاهی برای تداوی به کشورهای خارجی می‌روند، اما هنوز هم نمی‌خواهند عبرت بگیرند و لااقل همین پولهایی را که از هر طریقی به دست آوردند، برای همین مردم خرج کنند و اینقدر حریص نباشند.

